307722 ـ مواضعی که اجازه خواستن در آن هنگام واجب است و اجازه خواستن چه هنگام ساقط می‌شود؟

سوال

مواضعی را که باید در داخل منزل یا خارج از منزل اجازه بخواهیم را می‌دانیم اما آیا می‌توانیم از شما بخواهیم دربارۀ این مواضع به شکل مفصل توضیح دهید؟ مثلا هنگام وارد شدن به آشپزخانه یا سالن یا وارد شدن به خانه اجازه لازم است؟ چون دانش آموزانم در این باره از من می‌پرسند و آیا گفتن «حمد برای فلان» (به کار بردن حمد و ستایش برای غیر خدا) اشکال دارد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

الله تعالی می‌فرماید:

يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [سورۀ نور: ۲۷]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویید، این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید).

شیخ سعدی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «باری تعالی بندگان مومنش را راهنمایی می‌کند که بدون اجازه وارد خانه‌ای جز خانۀ خودشان نشوند، زیرا این چند مفسده را در خود دارد: از جمله آنچه پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ یاد نموده آنجا که می‌فرماید: «همانا اجازه خواستن برای چشمان قرار داده شده است». به سبب اخلال در این امر است که نگاه به عورت‌هایی که در داخل خانه‌هاست می‌افتد زیرا خانه برای انسان در پوشاندن عورتی که پشت آن قرار دارد مانند لباس است که بدن را می‌پوشاند.

همچنین: این کار باعث می‌شود کسی که [بدون اجازه] وارد خانه می‌شود متهم به شر شود مانند دزدی یا هدف بد دیگری، زیرا وارد شدن مخفیانه دال بر شر است و الله مومنان را از این باز داشته که وارد خانه‌ای جز خانۀ خود شوند مگر آنکه

اجازه بگیرند.

اجازه خواستن را «استِئناس» نامیده‌اند زیرا با آن انس حاصل می‌شود و به غیر از آن ناآشنایی رخ می‌دهد وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا (و بر اهل آن سلام گویید) و روش آن چنین است که بگوید: «السلام علیکم، آیا داخل شوم»؟

ذَلِكُمْ (این) یعنی این اجازه خواستن که ذکر شد، خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید) زیرا مصلحت‌هایی چند در خود دارد، و از جملهٔ مکارم اخلاق واجب است، پس چون اجازه داده شد، داخل می‌شود» (تفسیر سعدی: ۵۶۵).

ثانیا:

اما دربارهٔ مواضعی که باید در آن اجازه خواست، در «دایرة المعارف فقهی کویت» (۳/ ۱۴۵ و صفحات بعد) تفصیل آن آمده است. این موارد را به شکل خلاصه و با توضیحی اضافه از خود می‌آوریم:

۱ـ کسی که قصد دارد وارد خانه‌ای شود این خانه یا خانهٔ خود اوست یا خانهٔ دیگری، و اگر خانهٔ اوست، یا کسی دیگر در این خانه هست یا نیست، و اگر هست ممکن است همسر او باشد و کسی دیگر همراه او نباشد یا کسی از محارم او نیز با او باشند مانند دخترش یا مادرش و مانند آن.

اگر آن خانه، خانهٔ خود اوست و کسی دیگر جز او در آن ساکن نیست بدون اجازه وارد آن می‌شود زیرا اجازهٔ آن خانه دست اوست و اینکه کسی از خودش اجازه بخواهد نوعی بیهودگی است که شریعت از آن منزه است.

۲ـ اما اگر همسر او در خانه است و کسی دیگر همراه او نیست اجازه خواستن بر او واجب نیست؛ زیرا دیدن بدن همسر برای او حلال است اما مستحب است که به شکلی اجازه بخواهد مانند گلو صاف کردن یا صدای کفش و مانند آن؛ زیرا ممکن است همسر او در حالتی باشد که دوست ندارد همسرش او را در آن حالت ببیند.

۳ـ اما اگر محارم دیگری در خانه هستند مانند خواهرش یا مانند آن، درست نیست که آنان را عریان ببیند، چه مرد باشند چه زن، بنابراین حلال نیست که بدون اجازه وارد شود هرچند برخی از حالات آن توضیح دارد.

۴- و اگر خانهٔ خودش نبود و خواست واردش شود باید اجازه بخواهد و به اتفاق، وارد شدنش به آن خانه پیش از آنکه به او اجازه دهند حلال نیست، چه درِ خانه باز باشد و چه بسته باشد.

اما به طور عام حالات زیر استثنا هستند و اجازه خواستن در آنها واجب نیست:

ـ وارد شدن به خانه‌های غیر مسکونی (رها شده) که در آن کالایی ـ یا سودی ـ برای مردم هست، که بر اساس اجازهٔ کلی

برای داخل شدن به این خانه‌ها، وارد شدن به آن بدون اجازه جایز است، اما دربارهٔ تعیین این خانه‌ها اختلاف نظر هست.

ـ همچنین اگر ترک اجازهٔ ورود باعث می‌شود جانی یا مالی در آن خانهٔ حفظ شود و در صورت انتظارِ اجازه آن جان و یا آن مال از بین برود.

۵- اصل این است که تصرف انسان در مالکیت دیگری یا حق دیگری جایز نیست مگر با اجازهٔ شارع یا اجازهٔ صاحب حق و در این صورت کار او اعتدا (تجاوز و دست درازی) به حساب نمی‌آید، بنابراین خوردن غذای دیگری جایز نیست مگر با اجازهٔ مالک آن یا در حالت ضرورت، و ساکن شدن در خانه‌اش جایز نیست مگر به اجازهٔ او.

۶- اجازه خواستن مرئوس از رئیس خود، که این مسئله تابع عرف است، به این معنا که اگر بنابر عرف وارد شدن دانش آموزان بدون اجازهٔ معلم مجاز نباشد، واجب آن است که اجازه بخواهند زیرا این گونه ولایت‌ها برای رعایت و حفظ مصلحت‌ها قرار داده شده و اجازه خواستن از کسی که صاحب ولایتی است در حدود ولایتش ناگزیر است و این برای مرتب شدن امور و دوری از هرج و مرج است و موضوعی است وسیع.

۷ـ برای مهمان لازم است که پیش از خارج شدن از خانهٔ میزبانش، از او اجازه بخواهد.

۸ـ و هرگاه بخواهد بین دو نفر بنشیند باید از آن دو اجازه بگیرد.

۹ـ و هرگاه بخواهد نوشته‌ای را که مربوط به کسی دیگر است بخواند باید پیش از آن از او اجازه بخواهد.

ثالثا:

اجازه خواستن بنابر برخی اسباب ساقط می‌شود، از جمله:

۱ـ اگر اجازه خواستن ممکن نباشد:

اگر بنابر سببی امکان اجازه خواستن نباشد، اجازه ساقط می‌شود، مانند مرگ صاحب اجازه یا سفر او به جایی دور یا حبس او و باز داشتنش از ملاقات با هیچکس، و کاری که نیاز به اجازه دارد به شکلی باشد که نتوان تا برگشتن او از سفر یا خروجش از زندان صبر کرد و مانند آن.

۲ـ دفع زیان:

در صورتی که اجازه خواستن منجر به زیان شود، ساقط می‌شود. از این رو فروش امانتی که ترس از فاسد شدنش می‌رود بدون اجازه جایز است و جایز است که بدون اجازه به خانه داخل شد اگر این وارد شدن بی‌اجازه از وقوع یک جرم

جلوگیری می‌کند.

۳ـ اگر رسیدن به حق با اجازه گرفتن ممکن نباشد:

اجازه خواستن برای صاحب حق در صورتی ساقط می‌شود که اجازه خواستن باعث از دست رفتن حقش شود. مثلا برای زن جایز است که از مال شوهرش که از دادن نفقه خودداری می‌کند آنچه را برای خودش و فرزندانش کافی است به اندازهٔ عرف بردارد و اجازه نگیرد.

رابعا:

این که کسی بگوید: «حمد برای فلانی» (ستودن کسی جز الله) این به معنای ستایش کردن کار خوب او یا یک ویژگی خوب اوست و جایز است.

این که فلانی را «حمد» (ستایش) بگویی یعنی او را برای خصلت‌های خوبش ثنا بگویی.

و در حدیث آمده است: «آنکه مردم را شکر نگوید شکر الله نکرده است» به روایت احمد (۷۹۳۹).

اما آن حمد و ستایشی که برای غیر الله جایز نیست، ستایش مطلق است.

والله اعلم.